

چالش‌های فراروی زبان و فرهنگ عربی در عصر جهانی‌شدن

روح الله صیادی نژاد¹

نادر دادایی دیگه سرا²

تاریخ دریافت: 92/2/1 تاریخ پذیرش: 92/10/18

چکیده

«زبان» به عنوان محور تفکر و اندیشه و یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت فرهنگی در بحث جهانی‌شدن از چنان اهمیتی برخوردار است که قدرت‌های رسانه‌ای از آن به عنوان مهم‌ترین بستر ترویج جهانی‌سازی استفاده می‌نمایند. آمریکایی‌ها با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، جهت مشروعیت دادن به توسعه‌طلبی و امپریالیسم غرب و معرفی فرهنگ غربی به عنوان تمدن جهانی در پی تضعیف فرهنگ و زبان دیگر کشورها برآمده‌اند.

در این راستا امپریالیسم فرهنگی آمریکایی با به چالش کشاندن زبان و فرهنگ عربی از طریق رواج لهجه‌ها و گویش‌های عامیانه و حذف زبان فصیح عربی و ادعای دشواری و ناکارآمدی آن درصدد است زبان و فرهنگ آمریکایی را بر آنان تحمیل نماید. در این جنگ نرم فرهنگی، همنوایی بسیاری از فرهیختگان و اندیشمندان عرب با آنان، استحاله فرهنگ و مرگ هویت ملی عربان را در پی داشته است.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، زبان و فرهنگ عربی، زبان و فرهنگ انگلیسی، زبان عامیانه، رسانه‌ها و فناوری‌های نوین.

1. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی j_rs1359@yahoo.com

2. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی Naderdadaei@yahoo.com

مقدمه

جهانی‌شدن ترجمهٔ واژهٔ Globalization در زبان انگلیسی و «العولمة» در زبان عربی است. هرچند برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که جهانی‌شدن به زمان خاصی تعلق ندارد و همزاد با تاریخ بشر است (کاظمی: 1380، 20) اما ظهور این اصطلاح در ادبیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملل در دههٔ آخر قرن بیستم می‌باشد. (واترز، 1379، 10) با توجه به پیچیدگی و ابهامات این پدیده، ارابه دادن تعریفی واحد از آن برای قاموس‌نگاران کاری سخت و دشوار می‌باشد. برخی جهانی‌شدن را تبدیل و تعمیم امور محلی و ملی به امور جهانی می‌دانند. (یکن، 1387: 25) و برخی دیگر بر این باورند: «این اصطلاح یعنی؛ جهانی‌سازی¹ عادات، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها، به نفع جهان پیشرفتهٔ اقتصادی و به ویژه آمریکا است. (الخراشی، 1419: 7) در حقیقت این تلاشی است برای غالب نمودن ارزش‌ها، عادات و فرهنگ‌های دنیای غربی بر دیگر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، به طوری که منجر به اختلاط همه تمدن‌ها و ذوب شدن آن‌ها شود تا جایی که به تغییر و تحول باورهای دینی آنان بیانجامد. از دو تعریف بالا درمی‌یابیم که «جهانی‌شدن» متفاوت از «جهانی‌سازی» است. مقصود از جهانی‌شدن، وضعی است که کم و بیش به طور طبیعی، در نتیجهٔ تحولات جهانی، به ظهور می‌رسد. (باقری، 1384: 72). اما جهانی‌سازی، تلاشی به طور غالب، عمدی است که طی آن می‌کوشند نظامی ایدئولوژیک یا اجتماعی- اقتصادی را با پدیده‌های طبیعی جهانی‌شدن بپذیرند و از این طریق آن‌ها را جهانی کنند. (همان) در این جستار، جهانی‌شدن در معنای مثبت آن - فرایند آشنایی فرهنگ‌ها با یکدیگر و بهره‌مندی آن‌ها از یکدیگر - مطمح نظر نیست، بلکه منظور روندی است که سرانجام آن، سلطه فرهنگ کشورهای استیلاجوی غربی است.

«زبان» به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت فرهنگی در بحث جهانی‌شدن اهمیت زیادی دارد. اگر بگوییم قدرت‌های رسانه‌ای از «زبان» به عنوان مهم‌ترین بستر ترویج جهانی‌سازی استفاده می‌نمایند سخنی به گزاف نگفته‌ایم؛ چرا که این زبان است که پل

ارتباطی میان اقوام و ملیت‌های مختلف است و عامل اصلی ورود ارزش‌ها و فرهنگ‌های یک کشور به کشور دیگر محسوب می‌شود. محققان، جهانی‌شدن زبان را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «انتقال زبان محلی یک منطقه به جهان به طوری که همهٔ مرزهای جغرافیایی درنوردد تا همهٔ جهانیان با وجود اختلاف زبان‌های اصلی خود به آن زبان تکلم نمایند.» (الأنصاری، 1429: 127) قدر مسلم، جهانی‌شدن در دومین معنای خود پدیده‌ای چالش‌گراست؛ به گونه‌ای که ابعاد آن قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون دولت، حاکمیت فرهنگ، هویت، امنیت و... را درنوردیده است و هر کشوری با توجه به ساختار سیاسی-اجتماعی و فرهنگی خود تأثیرات متفاوتی از جهانی‌شدن پذیرفته است و کشورهای عربی با وجود داشتن فرهنگ غنی اسلامی و زبان قرآنی، آماج حمله‌های فرهنگی و جنگ نرم شده‌اند که سردمداران غربی و صهیونیسم در فرایند جهانی‌شدن، در تلاشند تا فرهنگ و ارزش‌های خود را بر آنان تحمیل نمایند. بنابراین در این جستار برآنیم تا چالش‌های فرا روی زبان فصیح عربی را در عصر جهانی‌شدن مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم.

چالش‌های زبان و فرهنگ عربی در عصر جهانی‌شدن

جهانی‌شدن با استفاده از فناوری‌های نوین، اندیشه و فرهنگ خاصی را ترویج می‌کند، که می‌توان آن را «فرهنگ رخنه یا تهاجم فرهنگی» نامید (الجابری، 1997: 143). ما در عصر کنونی شاهد هستیم که آمریکا بدون توجه به فرهنگ‌های مختلف، فرهنگ واحدی را در سراسر جهان منتشر می‌کند.

نوام چامسکی¹، اندیشمند معروف آمریکایی بر این باور است که جهانی‌شدن به مفهوم جهانی‌سازی فرهنگی، چیزی جز تحول ماهیتی در تاریخ تبلیغات نیست، که هدف از آن؛ تقویت سلطه‌ای آمریکا بر سراسر جهان است. به اعتقاد وی، جهانی‌شدن به صورت جدی جهان عرب و جهان اسلام را تهدید می‌کند، زیرا یهودیان سلطهٔ کامل بر دستگاه‌های اطلاع‌رسانی دارند و از این طریق حقایق را تحریف کرده، و مظاهر تمدن اسلامی و میراث مسلمانان را از افکار عمومی جهان محو می‌کنند (ر. ک، فاکسن، 1381). اما آنچه در

1. Noam Chomsky

این‌جا مورد نظر است این‌که؛ جهانی‌شدن از نظر ایدئولوژیک با فرهنگ اسلامی و اندیشهٔ دینی تعارض دارد. به‌طوری‌که برخی از نویسندگان دلایل توجه جدی غرب نسبت به اسلام را که به نحوی در فرایند جهانی‌شدن به‌طور مشخص در فرهنگ و تمدن اسلامی مورد هدف قرار می‌گیرد، در محورهایی مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از: 1. کشورهای اسلامی مواد اولیهٔ عظیمی چون نفت، گاز و دیگر منابع طبیعی دارند؛ 2. برای قدرتمندان و شرق‌شناسان به انحای مختلف، چه از طریق مراکز تحقیقی و یا دانشگاهی، به اثبات رسیده که این امت با حفظ هویت اسلامی‌اش، شکست ناپذیر است، بنابراین تنها راه شکست آن‌ها بی‌هویت کردن آن‌ها و حذف دینی است که روح انقلاب و اعتراض علیه اشغال و سلطه‌جویی را در آنان می‌دمد؛ 3. تمدن اسلامی با همهٔ ابعاد عقیدتی خود، مشتمل بر شریعت، نظام اخلاقی و دست‌آوردهای تاریخی، تنها واقعیتی است که درست در نقطهٔ مقابل فلسفهٔ دین، نظام‌ها و اندیشه‌های جهانی‌شدن قرار می‌گیرد» (عبدالحمید، 1380، 11)

حسن حنفی، نویسنده برجسته مصری معتقد است با همهٔ امکانات و فرصت‌هایی که جهانی‌شدن برای ملت‌ها به ارمغان آورده نباید فراموش کرد که «جهانی‌شدن یکی از اشکال سیطرهٔ اروپا بر ملت‌های غیراروپایی است» (2002: 14-15). وی با بررسی ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی‌شدن می‌گوید: «برای ما همانند سایر روشنفکران آزادی‌خواه، موضع فرهنگی و هویتی جهانی‌شدن بیش از ابعاد سیاسی و اقتصادی آن حائز اهمیت است، زیرا به نظر می‌رسد که برای سیطرهٔ سیاسی و اقتصادی غرب، مدخل فرهنگی طبیعی‌ترین مسیر می‌باشد» (همان: 254). وی به جهانی‌شدن فرهنگ غربی شدیداً انتقاد می‌کند: «از آن‌جا که فرهنگ مربوط به تمدن، زبان، قوم و تاریخ کشورهاست، نمی‌توان از یک فرهنگ عام و جهانی و فراگیر یاد کرد، بنابراین جهانی‌شدن فرهنگ به مفهوم فرهنگ‌خاص بر جوامع بشری در عمل ممکن نخواهد بود. این غرب و طرفداران غربی هستند که برای ناتوان ساختن سایر ملت‌ها و به فرمانبردار کردن آن‌ها از خودشان، اسطورهٔ فرهنگ جهانی را خلق کرده‌اند» (همان: 239). و از این طریق زبان و فرهنگ خود را بر آنان تحمیل می‌نمایند.

اما مهم‌ترین چالش‌های جهانی‌شدن فرهنگ برای کشورهای عربی عبارت‌اند از:

الف. تسلط غرب و ایالات متحده آمریکا بر شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، محتوای پرفروش‌ترین روزنامه‌ها و مجلات و خبرگزاری‌های جهان که سبب بهره‌مندی از جهانی‌شدن یک‌سویه برای اروپا و آمریکا شده، و کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای عربی هیچ‌گونه پیشرفتی نداشته‌اند.

ب. فروپاشی مجموعه ارزش‌های جامعه اسلامی - عربی از طریق وسایل ارتباط جمعی و تحمیل فرهنگ بی‌بندوبار غربی که با ارزش‌ها و عقاید عربی منافات دارد و آثار منفی این ارزش‌ها هم‌چنان تأثیرگذار است.

ج. به چالش کشاندن زبان عربی که این زبان در عصر جهانی‌شدن نمی‌تواند وضعیت معیشتی، اجتماعی و آموزشی مردم را مرتفع کند. لذا این موضوع سبب گشت تا کشورهای عربی با کنار نهادن زبان عربی به فراگیری و تقویت زبان‌های خارجی اهتمام ورزند (المنصور، 2009: 572). همه این عوامل، علاوه بر تخریب ارزش‌های اسلامی عربی، پیامدهای منفی برای زبان عربی به بار آورده است.

1. ترویج لهجه‌ها و حذف زبان فصیح

امروزه یکی از پیامدهای مهم جهانی‌شدن را در افزایش تعلقات قومی و دینی می‌توان جستجو نمود، چنان‌که برخی جهانی‌شدن را افزایش «چندپارگی» و «محل‌گرایی» در جهان تلقی می‌کنند. (همان: 86) تأکید بر عناصر هویت بخش فرهنگی - بومی و عدم پذیرش پلورالیسم فرهنگی را می‌توان شاخص این روایت از جهانی‌شدن دانست که در نتیجه تقدیس و ستایش تفاوت‌ها و صحنه گذاشتن بر اختلافات را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس مستشرقین از دیرباز در راستای سیاست‌های کشورهای استعماری که همان سیاست: «فرق، تسد» است، جهت ترویج زبان عامیانه و غیررسمی در کشورهای عربی مصرانه دست به فعالیت زده‌اند. به عنوان نمونه ویلیام ویلککس در سال 1926 به کنار نهادن زبان عربی دعوت نمود و انجیل را به لهجه مصری ترجمه کرد و بر این باور بود که: «مهم‌ترین عامل فقدان نیروی اختراع در نزد مصری‌ها، به‌کارگیری زبان فصیح در گفتار و نوشتار است.» (ر. ک. الفلق، 2004: 17) و گلاستن نخست‌وزیر اسبق بریتانیا می‌گوید: «تا

1. یعنی تفرقه بیانداز تا حکومت کنی.

زمانی که این قرآن باقی است، اروپا هرگز نمی‌تواند بر شرق غلبه کند و خودش نیز در امان نخواهد ماند.» (همان) در حقیقت آنان از این طریق خواسته‌اند فرزندان امت بزرگ اسلامی را از قرآن کریم و احادیث گهربار حضرت رسول اکرم (ص)، که جزء منابع اصیل مسلمانان و منشأ وحدت جهان اسلام به حساب می‌آیند، دور نگه دارند که این خود به‌خوبی گویای بزرگ‌ترین چالش فرهنگی یک کشور است، چراکه زبان رسمی یک ملت رو به ضعف و افول می‌نماید و هر قومی با لهجه خاص خود ادعای سروری می‌کند. با توجه به این که کشورهای عربی دارای زبان‌های محلی و عامیانه مختلفی هستند، تفرقه زبانی در عصر جهانی‌شدن می‌تواند بسیار مؤثر باشد. آنان برای هر چه بیش‌تر تضعیف نمودن زبان فصیح عربی اقدامات ذیل را انجام داده‌اند:

الف. دشوار نمایاندن یادگیری زبان فصیح عربی

از کارشکنی‌های دشمنان قرآن و اسلام برای از بین بردن زبان فصیح عربی در عصر جهانی‌شدن، سخت جلوه دادن یادگیری این زبان و ترویج زبان عامیانه است که متأسفانه برخی از نویسندگان عرب ناآگاهانه از آنان دنباله‌روی کرده‌اند. برای مثال، طه حسین ادیب و منتقد معاصر عرب در این باره چنین می‌گوید: «زبان عربی سخت است زیرا دستور زبان آن «نحو» و نوشتن به این زبان از گذشته تاکنون سخت بوده است.» (برکات، 2003: 127). اگر دستور زبان عربی را با دستور دیگر زبان‌ها مقایسه نماییم، به نادرستی گفته این محقق پی خواهیم برد. همان‌طور که می‌دانید چیدمان ارکان جمله و متعلقات آن در زبان انگلیسی به ترتیب فاعل، فعل و مفعول است. برای مثال، در جمله «علی غذا را خورد» در انگلیسی فقط باید گفت: «Ali ate the food» و نمی‌توان گفت: «ate the food Ali» اما در دستور زبان عربی این جمله را می‌توان با پنج ساختار متفاوت بیان نمود. 1. أكل علی طعاماً؛ 2. علی أكل طعاماً؛ 3. أكل طعاماً علی؛ 4. طعاماً أكل علی؛ 5. طعاماً علی أكل. گذشته از ترتیب ارکان جمله و متعلقات آن، ظهور حرکات و اعراب آخر کلمات در انتقال و ارسال معانی بر پویایی دستور زبان عربی افزوده است. برای مثال، جمله «ما أحسن زيداً؟!» می‌تواند استفهامی، تعجبی، یا ذم باشد که وجود اعراب، مشخص‌کننده معانی مختلف این جمله است. از همه این‌ها که بگذریم، خداوند در قرآن کریم، به آسان بودن زبان فصیح بشارت داده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «ولقد يسرنا القرآن للذکر فهل من

مذکر» (قمر: 32، 22، 17) و جالب این‌که این آیه سه بار در یک سوره تکرار شده است و خداوند با این تکرار قصد دارد تا آسانی زبان فصیح را تأکید نماید.

برخی از نویسندگان عرب همچون سلامه موسی و انیس فریحه از جمله دلایل سختی یادگیری زبان عربی را دو بیانه بودن آن می‌دانند (الانصاری، 1429: 123) یعنی زبان عربی دارای دو بیان است: یکی کلامی یا عامیانه و دیگری کتابی یا فصیح. به‌طور یقین، این امر نشان‌گر تبلیغات گسترده دشمنان علیه زبان فصیح عربی و نشأت گرفته از عدم آگاهی آنان نسبت به دیگر زبان‌هاست، چرا که می‌پندارند فقط عرب‌ها دو زبان فصیح و عامیانه دارند و سایر ملت‌ها، زبان‌شان درگفتار و نوشتار یکی است. شوقی ضیف ادیب و ناقد معاصر مصر در جواب آنان چنین می‌گوید: «کسانی که زبان عربی را با وجود عامیانه و فصیح، به دوبیانه بودن و دوگوشی متهم می‌کنند در واقع کسانی هستند که از دوبیانه بودن دیگر زبان‌ها اطلاعی ندارند به طوری که در گذشته زبان انگلیسی در «ایتالیا» لهجه عامیانه‌ای داشت که «فرجیل»، «سنیکا» و «شیشرون» با این لهجه‌ای که رومی‌ها صحبت می‌کردند، می‌نوشتند و به‌تازگی «راسین»، «کورنی»، «مولر»، و «ویکتور هگنو»، آثار ادبی خود را به فرانسوی و نه به لهجه‌های کوچک و بازاری می‌نوشتند؛ همان طوری که ادبای ما به عامیانه صحبت می‌کنند، اما آثارشان را به زبان فصیح می‌نوشتند.» (1997: 82) به بیان دیگر، هیچ زبانی در دنیای کنونی یافت نمی‌شود که لهجه‌های متفاوت از هم نداشته باشد و در کشورهای عربی، خاورشناسان و استعمار فرهنگی از سال‌ها پیش با تبلیغ دشوار نمایاندن زبان فصیح و با استفاده از ادبا و نویسندگان عرب، جنگ خصمانه‌ای علیه زبان قرآن آغاز نموده‌اند. متأسفانه بعضی از فرهیختگان عرب همچون عدنان الخطیب دبیرکل انجمن زبان عربی در «دمشق» تحت تأثیر جهانی‌شدن در راستای تحقق برنامه‌های امپریالیسم فرهنگی کمیته‌ای جهت پیوند عمیق میان زبان فصیح و زبان عامیانه تشکیل داد و در این کمیته صد و اژه عامیانه پیشنهاد شد که در فرهنگ واژگان عرب به ثبت برسد. (نحاس، 1997: 29-30) در واقع دست اندرکاران جنگ فرهنگی به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین و آسان‌ترین راه برای از بین بردن زبان فصیح، و هویت اصیل مسلمانان، به‌کارگیری و استمداد از صاحب نظران و اندیشمندان کشورهای عربی است تا خود به جنگ زبان قرآنی و مادریشان بروند.

ب. نا کار آمد جلوه دادن زبان عربی

بدون شک در عصر کنونی زبان انگلیسی، زبان جهانی‌شدن است. زیرا همه تولیدات جهانی با این زبان ترویج می‌شود و بیش‌تر دانش‌ها با این زبان عرضه می‌شود و اگر یک مؤلف، آمریکایی یا انگلیسی نباشد، می‌بایست جهت شهرت و آوازه خود از زبان انگلیسی استفاده نماید. (الانصاری، 1429: 128) این شهرت‌طلبی باعث شده است تا نسل جدید عرب به این باور نادرست یقین پیدا کند که زبان مادری و رسمی کشورش، زبان کاربردی نیست و نمی‌تواند با فناوری جدید هم‌نوا گردد، و این همان چیزی است که استعمارگران می‌خواهند.

عید دحیات که یکی از محققان و پژوهش‌گران کشور «اردن» است در این باره چنین می‌گوید: از آن‌جا که استعمارگران بر این باور بودند که زبان عربی از درک و فهم علوم جدید عاجز است، زبان‌های بیگانه را در دانشگاه‌ها همراه با حمله‌های نظامی و استعماری علیه سرزمین‌های عربی در قرن 19 رواج دادند. (2007: 237) تحقیقات نشان می‌دهد که بیش‌تر دانش‌آموختگان و اندیشمندان عرب بر این باور نادرست یقین پیدا کرده‌اند که زبان انگلیسی زبان علم است و به‌ویژه علم پزشکی را باید به این زبان آموزش داد. «(السید، 1997: 253) پژوهش‌گران با تحقیقاتی که در دو دانشگاه «اردن» و «ملک سعود» انجام داده‌اند به این نتیجه دست یافتند که 96 درصد از دانشجویان پسر دانشگاه‌های اردن و 82 درصد از دانشجویان دختر دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه «ملک سعود» بر این باورند که زبان عربی تنها برای علوم دینی، ادبی و تربیتی مفید بوده و این زبان، زبان شعر و عاطفه است و زبان انگلیسی برای تدریس تخصص‌های علمی مانند پزشکی، هندسه، داروسازی و رایانه بهتر از عربی است. (الجرف، 2005: 10) این آمار تکان‌دهنده‌ای است و عزم جدی همه محققان و اندیشمندان جهان عرب را برای تغییر کتاب‌های درسی و تألیف علوم مختلف به زبان عربی، می‌طلبد. شاید سخن این دانشجویان دور از واقعیت نباشد، چرا که آمارها نشان می‌دهند 50 درصد از کتاب‌های علمی و فناوری به زبان انگلیسی منتشر می‌شود و سهم زبان عربی از 50 درصد باقی مانده بسیار ناچیز است و اگر یک عرب‌زبان، انگلیسی نداند از نیمی از منابع در زمینه‌های علمی و فناوری محروم خواهد ماند علاوه بر آن، نمی‌تواند در مجامع بین‌المللی شرکت نماید.» (همان: 13)

جای بسی تاسف است بسیاری از فرهیختگان و دانشمندان عرب، بدون توجه به پیامدهای منفی به‌کارگیری زبان‌های بیگانه، این زبان‌ها را جایگزین اصیل‌ترین زبان جهان یعنی عربی فصیح نمودند و با این کار بی‌هویتی بسیاری از کشورهای عربی را رقم زدند، چرا که زبان محور تفکر و اندیشه و محمل فرهنگ یک جامعه است. واقعیت حاکی از آن است که ناکارآمد تلقی نمودن زبان عربی برای آنان نتیجه‌ای جز استحاله فرهنگی جامعه عرب و در نهایت مرگ هویت ملی آنان در پی نداشته و این در حالی است که کشورهای نظیر «فرانسه»، «روسیه»، «آلمان»، «ژاپن»، «اسپانیا»، «چین» و اکثر کشورهای اروپایی همه دانش‌ها را با زبان ملی خود به دانشجویان آموزش می‌دهند.

2. سلطه زبان و فرهنگ آمریکایی

زبان انگلیسی و فرهنگ آمریکایی با سرعت شتابنده‌ای سعی در تحمیل خود بر دیگر ملل جهان دارد. در اینجا بی‌مناسبت نیست به تحقیقی که مرکز رایانه دانشگاه «osnabruk» انجام داده است اشاره کنیم. این مرکز رایانه در مقاله‌ای یادآور می‌شود هر چند بیش از 6000 زبان مختلف در دنیا وجود دارد اما 90 درصد اطلاعات اینترنت به زبان انگلیسی می‌باشد. این در حالی است که فقط 470 میلیون نفر در جهان انگلیسی‌زبانند و 2 درصد اطلاعات به زبان اسپانیایی و 5 درصد به زبان فرانسوی و زبان آلمانی و دیگر زبان‌ها در اینترنت غایب هستند. (رحیمی و شکاری، 1386: 68)

فرانتس فانون¹ در فصل نخست «پوست سیاه نقاب‌های سفید» یعنی «سیاهان و زبان»، قدرت زبان را برای تغییر دادن فرهنگ در جریان استعمار نمایان می‌کند. او با اظهار این که «سخن گفتن به معنی فقط موجودیت داشتن برای دیگری» است، از جایگاه فروتری که جزایر آنتیل به زبان کریولی در مقایسه با زبان فرانسوی به عنوان زبان تمدن اختصاص یافته انتقاد کرده و نشان می‌دهد که تحقیر زبان محلی از سوی استعمارگران به عنوان زبانی پست، کلید فهم رویه غیرانسانی آنان است» (پین، 1382: 406). استعمارگر با درک این واقعیت که پذیرفتن هویت زبانی دیگری به معنی اقرار به موجودیت اوست، سعی در مخدوش کردن هویت زبانی دارد. به طوری که اگر استعمار شده، هژمونی زبانی استعمارگر

1. Frantes fanon

را بپذیرد، کم‌کم همه جنبه‌های فرهنگی و سلطه‌های فکری را نیز پذیرفته است، اما جالب است بدانیم که استعمارگران برای سلطه بر کشورهای دیگر و تحمیل زبان و فرهنگ خود، دیگر همانند گذشته به طور مستقیم و فیزیکی وارد عمل نمی‌شوند بلکه با جنگ تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی و با بهانه‌های مختلف علیه این کشورها اقدام نموده‌اند. آنان برای تضعیف فرهنگ و زبان دیگر کشورها و اعتلای زبان و فرهنگ خود، دو هدف اساسی را دنبال نموده‌اند: الف. مشروعیت دادن به توسعه‌طلبی و امپریالیسم غرب در چشم دولت‌های غربی و انتخاب‌کنندگان آنها؛ ب. قانع کردن بومیان به این‌که فرهنگ غربی معرف تمدن جهانی است، پذیرش چنین فرهنگی به نفع آنهاست. آن‌ها را از شرایط عقب‌مانده و خرافاتی که دارند نجات می‌دهد و آن‌ها را به مشارکت در پیشرفته‌ترین تمدنی که جهان تاکنون به خود دیده است، تبدیل می‌کند (برتنز، 1382: 260).

این اهداف از سویی دورنمای روشنی از فرهنگ و تمدن غربی به جهانیان نشان می‌دهد و از سوی دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر را عقب مانده و خرافه‌پرست معرفی می‌کند تا از این طریق آنان زبان و فرهنگ خود را کنار گذاشته و برای رسیدن به استعلا و برتری، محو زبان و فرهنگ سلطه‌گر شوند.

استعمارگران برای سیطره بر کشورهای عربی و از بین بردن فرهنگ عربی - اسلامی، زبان فصیح عربی را نشانه رفته‌اند و در این زمینه به دنبال چهار هدف اساسی هستند: 1. اجبار به آموزش زبان کشور استعمارگر در همه مقاطع تحصیلی و مواد درسی؛ 2. قرار دادن زبان عربی به عنوان زبان دوم در مراکز تعلیم با هدف تضعیف این زبان، تا به‌طور کلی از صحنه رقابت کنار برود؛ 3. ایجاد نفرت از زبان عربی، با تمسخر این زبان و قواعد آن، با هدف رغبت به زبان استعمارگران، با این بهانه که زبان‌شان زبان علم و فناوری است، و همه منافع اقتصادی، علمی، سیاسی و روابط بین‌المللی را در بر دارد؛ 4. قرار دادن زبان استعمارگران به عنوان زبان رسمی، در همه ادارات و دستگاه‌های دولتی کشور مستعمره، همانند عمل یهودیان در اسرائیل؛ 5. انحصار شغل‌ها و مناصب در اختیار کسانی که زبان استعمارگران را به خوبی یاد گرفته‌اند، که رژیم غاصب اسرائیل از این نقشه علیه ملت فلسطین، استفاده می‌کند (ر. ک. الميدانی، 2000: 356).

تحمیل زبان انگلیسی با هدف حذف و استحاله فرهنگ‌ها چنان سریع انجام گرفته است که بسیاری از واژگان این زبان، جزء پرکاربردترین و پربسامدترین کلمات و جملات عرب‌زبانان شده است. به عنوان مثال؛ کم‌تر عرب‌زبانی است که کلمه «ok» را در محاورات روزمره خود به کار نبرد، درحالی که واژه «طیب» و «حسناً» در زبان عربی وجود دارد. جای بسی تعجب است که اشتیاق استفاده از الفاظ بیگانه منجر به ترک واژه عربی شده است. به عنوان مثال با این که کلمه «هاتف» در خزانه لغت عرب یافت می‌شود اما با وجود این، بسیاری از آنها از کلمه «تلفون» استفاده می‌کنند و از آن فعل اشتقاق می‌نمایند تا آن‌جا که فرهنگستان مصر در «معجم الوسیط» آن را ثبت نموده است. (مجموعه من الکتبیین، 1998: ذیل ماده تلفن) اگر چه تأثیرپذیری زبان‌ها در فرایند جهانی‌شدن به‌طور تقریبی طبیعی به نظر می‌رسد اما ثبت واژه‌ای بیگانه در یک فرهنگ لغت عربی و ساخت فعل و مشتقات برای آن واژه از سوی فرهنگستان چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

از آن‌جا که خانواده اولین آبشخور و منبع زبانی است که کودک از کانون فرهنگی - لغوی آن سیراب می‌شود. «(عبدالحمید، 1999: 28) در تقویت یا تضعیف زبان ملی کودکان خود نقش اساسی ایفا می‌نماید. تلفظ نادرست واژگان، استفاده از زبان عامیانه و لهجه‌های محلی و استعمال واژگان بیگانه در محیط خانواده منجر به ضعف زبان فصیح عربی در نسل جدید شده است. از سویی دیگر، اجبار به یادگیری زبان انگلیسی در مقاطع ابتدایی تا دانشگاه و بالاتر از آن سلطه زبان انگلیسی را دو چندان نموده است. (المیدانی، 2000: 300) و مهم‌تر این که احداث مدارس غیرعربی با هدف ترویج زبان‌های بیگانه روزانه روبه افزایش است و کودک عرب نه تنها زبان، بلکه فرهنگ بیگانه را نیز به اجبار فرا می‌گیرد. بدیهی است که سلطه زبان به جریان اطلاعات، مسیر یک طرفه می‌دهد.

در اینجا خاطر نشان می‌شود که یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی که زبان و فرهنگ عربی از جانب خانواده با آن مواجه است، به کارگیری خدمتکاران خارجی در امور منزل است؛ تا آن‌جا که روزنامه‌های مهمی چون «الوطن» عربستان، «الرأی العالم» کویت و «البیان» امارات و بسیاری دیگر از روزنامه‌های خلیج، از استخدام خدمتکاران خارجی، احساس خطر نموده‌اند؛ (فؤاد، 2005: 78). چرا که این خدمتکاران اغلب مهاجرانی هستند که از دیگر کشورها به خاطر اشتغال وارد این کشورها شده‌اند و به سختی به عربی

صحبت می‌کنند. تلفظ نادرست واژه‌ها از جانب این خدمتکاران تهدیدی جدی است که متوجه زبان گفتاری کودک می‌شود و به تدریج کودک عرب را از زبان فصیح عربی دور نگه می‌دارد. در بعضی از مناطق، سلطهٔ زبان انگلیسی آن قدر زیاد است که عرب‌زبانان آن منطقه ساختار کلمات و واژگان محاوره‌ای‌شان تحت تأثیر زبان انگلیسی درهم ریخته‌اند برای مثال، در لهجه «یافاوی» که یکی از لهجه‌های عربی منطقه «یافا» در کشور فلسطین است مادر، فرزند خود را این گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «بِرکت الکاریمًا» یعنی ماشین را پارک کردی مادر جان. (الدجانی، 2000: 23) در این مثال کلمه «برکت» و «الکار» به ترتیب از park و car از انگلیسی اخذ شده است که هم اکنون نیز در این منطقه استعمال می‌شود. آمارها بیان‌گر آن است که 75 درصد از نامه‌های پستی در جهان به زبان انگلیسی نوشته می‌شوند. (الجراف، 2005: 16) و این در حالی است که 470 میلیون نفر در جهان انگلیسی‌زبانند. (رحیمی و شکاری، 1386: 68) این آمار برای دیگر زبان‌ها بسیار تکان‌دهنده است، چرا که فقط 25 درصد از نامه‌های پستی به زبان‌های غیرانگلیسی نگاشته می‌شود.

تحقیقات گواه بر آن است که اساتید زبان عربی در دانشگاه‌ها، عامل اصلی فروپاشی فصاحت زبان عربی در عصر جهانی‌شدن می‌باشند، چرا که دانشگاه بزرگ‌ترین مرکز علمی و پژوهشی یک کشور به حساب می‌آید و اگر در این مراکز به زبان فصیح صحبت نشود از دیگر مراکز انتظار خاصی نمی‌رود. جای بسی شرم است که زبان فصیح عربی با آن گنجینه سرشار از واژه‌ها و اشتقاقیات فراوان، استادان و فرهیختگان و دانش‌پژوهان کشورهای عربی تمایل به به‌کارگیری زبان‌های بیگانه و عامیانه داشته باشند تا آن‌جا که در کشورهای عربی «هنگامی که از دانشجویان درخواست می‌شود تا مواد درسی خود را به زبان فصیح عربی توضیح دهند، بیش‌تر به سختی می‌افتند؛ اما قادرند همان مواد درسی را با زبان روان و به شیوایی به زبان انگلیسی یا فرانسوی ارائه نمایند» (همان: 48) در حقیقت این‌ها بیان‌گر رغبت روزافزون دانشجویان به فراگیری زبان‌های بیگانه و فراموشی زبان فصیح است که بی‌توجهی زبان‌شناسان و صاحب‌نظران به این موضوع، خطری جدی برای حفظ و بقای زبان قرآنی محسوب می‌شود.

عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی بر فراز دولت‌های ملی در سطح جهانی رو به گسترش است. سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی از جمله بازیگران سیاسی در سطح بین‌المللی هستند که قدرت تصمیم‌گیری در سطح جهانی را دارند. حضور شرکت‌های فراملی، مؤسسات مالی و اعتباری در ساختار اقتصادی کشورها و شهرهای مهم و ورود به دوران جدیدی از رقابت شدید بین شهرها، موجب تغییر اهمیت و قدرت دولت و عوامل محلی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها شده است. (موسوی، 1390: 35) این‌ها می‌خواهند با ابزارهای مختلف جهانی‌شدن بدون در نظر گرفتن مرزها، عقاید خود را بر دولت‌ها تحمیل نمایند. به‌طور مسلم، دوستی و برادری برخی از دولت‌های عربی با اسرائیل و آمریکا این مسئله را تشدید نموده است.

در کشورهای عربی واردات کالاها و اجناس غربی، باعث ایجاد فروشگاه‌ها و شرکت‌های تجاری غربی در این کشورها شده است که نه تنها ارزش‌های عربی و اسلامی را متحول ساخته، بلکه زبان فصیح عربی را با چالش‌های عدیده‌ای رو به رو کرده است به طوری که اگر یک عرب‌زبان بازار کار کشورهای عربی را بررسی کند، شک می‌کند که در یک کشور عربی زندگی می‌کند؛ زیرا ادارات و شرکت‌های دولتی شرط اصلی استخدام کارمند و کارگر را در تسلط به زبان انگلیسی و داشتن سابقه کار می‌دانند در حالی که جوانان فارغ‌التحصیل، فاقد این دو شرط هستند. جالب این که به جز در تعداد اندکی از مشاغل نادر، نیازی به زبان انگلیسی نیست، اما با کمال تأسف اگر جوانی مسلط به زبان انگلیسی نباشد، از بازار کارهای دولتی و خصوصی طرد می‌شود و این بهانه‌ای دست دولت می‌دهد تا بیگانگان را استخدام نمایند. (الانصاری، 1429: 144) در حقیقت دولت‌های عربی با این عمل خود، نه تنها باعث مهاجرت جوانان عرب به دیگر سرزمین‌ها می‌شوند بلکه بزرگ‌ترین خدشه را به زبان عربی وارد می‌کنند.

در بررسی فرآیند جهانی‌شدن، به ویژه از منظر فرهنگ و زبان، ناگزیر از توجه به بحث ارتباطات هستیم. ارتباطات علاوه بر روستاها یعنی؛ خانواده، مدرسه، دانشگاه، سازمان‌ها و دولت شامل زیرساخت‌ها که همان ابزار فناورانه ارتباطات یعنی رسانه‌ها و فناوری‌های نوین است، نیز می‌شود که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم.

3. رسانه‌ها و فناوری‌های نوین

الف. رادیو و تلویزیون

از آن‌جا که مهم‌ترین نقش را در جهانی‌سازی، رسانه‌های ارتباطی بر عهده دارند و ابزار مورد استفاده در رسانه‌ها، زبان است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که «زبان» به عنوان مهم‌ترین بستر ترویج جهانی‌سازی مورد استفاده قدرت‌های رسانه‌ای می‌باشد.

همان‌طور که می‌دانیم رادیو و تلویزیون نقش اساسی در شکل‌گیری و تغییر فرهنگ و هویت یک جامعه دارد. براساس تحقیقاتی که یکی از مؤسسات پژوهشی آمریکا انجام داده است تلویزیون در ردیف اول و مؤثرترین و بهترین وسیله اطلاع‌رسانی قرار گرفته است. (رضوان، 2009). حقایق حاکی از آن است که آمریکا در کنار تلویزیون از دیگر وسایل اطلاع‌رسانی همچون روزنامه، رادیو و مجلات در جهت آمریکایی نمودن فرهنگ‌ها و انگلیسی نمودن زبان‌ها نهایت استفاده را می‌کند. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز، جهان‌های ذهنی و غیرواقعی را به دنیا مخابره کرده و تعیین می‌کنند که برای مثال، مردم دنیا امروز به کودتا در «فیلیپین» و فردا به لایه «اوزون» و روز بعد به «ایدز» و هفته بعد به موضوع دیگری فکر کنند و همه این دستور جلسه‌ها از سوی کسانی برای مردم دنیا تعیین می‌شود که کنترل خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بین‌المللی را در دست دارند. «(نصیری، 1388، 68) به طوری که پژوهش‌گران با تحقیقاتی که در مورد برنامه‌های رادیو و تلویزیون مصر انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که تسلط لیبرال سرمایه‌دارانی همچون آمریکا و اسرائیل بر برنامه‌های صدا و سیمای کشور مصر بسیار حیرت‌انگیز می‌باشد. آمار حاکی از آن است برنامه‌هایی چون سریال، موسیقی، غنا و مسابقات ورزشی 95 درصد از برنامه‌های روزانه رادیو را به خود اختصاص می‌دهند. (المرسی، 1999: 65) با توجه به این که این برنامه‌ها، به زبان عامیانه پخش می‌شوند، تهدید بزرگی برای زبان فصیح عربی به حساب می‌آید؛ چرا که 5 درصد باقی مانده نمی‌تواند فضای مسموم تبلیغات سلطه‌جویانه غرب را، از ذهن مخاطبین خود بزدايد.

اکنون آمریکا و اروپا، گمشده‌ی مورد نظر خود را در دستگاه «تلویزیون» یافته‌اند؛ چرا که تلویزیون دوست همیشگی خانواده‌ها شده، و فرصت بزرگی جهت تخریب ذهنی کودکان مسلمان و از بین بردن مفهوم اسلام از وجود فرزندان است. در حقیقت این کشورها با

پخش برنامه‌های به‌ظاهر عربی که بیش‌تر آن‌ها به زبان‌های عامیانه و بیگانه پخش می‌شود، قصد دارند تا با شبیه‌سازی فرهنگی و حذف زبان فصیح، روح قرآنی و اسلامی را از اذهان فرزندان عرب محو نمایند تا فرهنگ و هویت غربی و کمونیستی را به آرامی در کشورهای عربی رواج دهند. دولت‌های استعماری جهت نهادینه کردن زبان و فرهنگ خود، بیش‌تر برنامه‌های صدا و سیمای کشورهای عربی را کارگردانی می‌نمایند تا جهانی تک فرهنگی بسازند.

ب. روزنامه و مجلات

در فرایند جهانی‌شدن روزنامه‌ها و مجلات درصددند تا ساختار ظاهری و محتوایی خود را همسو با دیگر رسانه‌های جهان، تغییر دهند. در این میان مطبوعات کشورهای عربی با الگوپذیری از فرهنگ غربی به علت رواج زبان‌های بیگانه، اغلب هویت اصیل خود را از دست داده است که به تبع آن، زبان نوشتاری نیز به عنوان نماد اصلی هویت ملی تغییر خواهد کرد. به کارگیری واژه‌های غیرعربی، عامیانه و کوچه و بازاری در روزنامه‌ها و مجلات عربی تهدیدی جدی برای زبان فصیح عربی به حساب می‌آید. زیرا نگارش به زبان بیگانه و عامیانه در مطبوعات رسمی کشور در حقیقت بی‌ارزش نمودن و حذف واژگان زبان فصیح از اذهان مردم است. به عنوان مثال کلماتی چون ال‌کامپیوتر¹، موبایل، البستره²، المارستان³، و... که معادل عربی این واژگان به ترتیب الحاسوب الکی، الجوال، التعقیم، المستشفى، در زبان فصیح وجود دارد، در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات عربی استعمال می‌شود.

بسیاری از نویسندگان عرب در نگارش مقالات خود، تحت تأثیر زبان‌های بیگانه، زبان عربی را که دارای کامل‌ترین دستور زبان جهان است را با این زبان‌ها مقایسه می‌نمایند. به عنوان مثال فعل «لعب» لازم است اما روزنامه نگاران با تأثیر از اسلوب انگلیسی «⁴ he plays an important part» آن را متعدی به حساب آورده‌اند و این‌گونه تعریب

1. رایانه

2. پاستوریزه کردن

3. بیمارستان

4. یعنی اوتنش مهمی ایفا کرد.

نموده‌اند «لعب دوراً هاماً» (عبدالعزیز، 1978، 56) درحالی‌که این فعل به‌وسیله حرف باء متعددی می‌شود مثل: «لعب محمداً بالكرة».

تقلید در عصر جهانی‌شدن، نویسندگان روزنامه‌ها و مجلات را برآن داشته تا نه تنها از نظر صرفی و نحوی به خطا روند، بلکه در گزینش مترادفات که هر کدام در جمله معنای خاص خود را حمل می‌نماید، دچار اشتباه شوند. به عنوان مثال کلمه «ضد» را در مطبوعات بسیار به کار می‌برند، اما استعمال آن برای مثال، در جمله «التآمر ضد التولية» و عبارت «الإتهامات ضد المسيحيين»، نادرست است زیرا می‌بایست درجمله اول کلمه «علی» و در جمله دوم واژه «الموجهة» به جای «ضد» استعمال می‌شد. (ر.ک. خاقانی، 1997: 219) رواج واژگان عامیانه و تغییر واژگان فصیح نه تنها در حرکات بلکه دراصل کلمه بسیار چشمگیر است؛ به عنوان نمونه به کارگیری کلمات عامیانه‌ای مانند: «زَلَطاً»¹، «شخات»² و «صِرصار»³ فصاحت زبان عربی را دگرگون نموده است (ضیف، 1994: 128-129) بنابراین باید روزنامه‌نگاران عرب جهت حفظ و انتشار زبان فصیح در روزنامه‌های رسمی کشور از استعمال واژگان بیگانه و عامیانه به‌طور جد، خودداری نمایند و در ویرایش اخبار و مقالات روزانه خود از کارشناسان مجرب و متعهد به زبان فصیح قرآنی استفاده نمایند.

ج. ماهواره

بی تردید مهم‌ترین عامل جهانی‌شدن را باید قدرت فتاوری و انقلاب ارتباطات دانست که در عمل موانعی چون زمان و مکان را درنوردیده، و موانع و مرزها را به کنار رانده است. (بهاءالدین، 1384: 59) جهانی‌شدن با استفاده از ماهواره در سراسر جهان همسان‌سازی فرهنگی - اجتماعی لجام‌گسیخته‌ای را به راه انداخته است که ساختار سیاسی و اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و مردم جوامع مختلف را بر آن داشته تا براساس یک فرهنگ که در اساس غربی است، پوشش و گویش خود را انتخاب نمایند. حقایق موجود

1. فصیح آن نَسْرَطاً (لعید).

2. فصیح آن: شخاذ (گدا).

3. فصیح آن: صُرصور (سوسک).

حاکمی از آن است که کشورهای عربی تنها 43 درصد از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای جهان را تولید می‌کنند و سهم عمده این برنامه‌ها در اختیار ایالات متحده آمریکا است به طوری که این کشور، سالانه به بیش از صد کشور جهان برنامه‌های تلویزیونی خود را عرضه می‌دارد. (الحسن، 2008: 64) اغلب این برنامه‌ها با هدف از بین بردن فرهنگ اسلامی و زبان فصیح عربی صورت می‌گیرد. در یک تحقیق آماری درباره مخاطبین برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای که در دانشگاه «اردن» انجام شده است، نتایج زیر حاصل شده است: «تعداد بینندگان سریال‌ها و فیلم‌ها حدود 60 درصد، که بیش‌ترین بیننده را به خود اختصاص داده است، کانال‌های غنایی و موسیقی 40 درصد، کانال‌های دینی 32 درصد، شبکه‌های اقتصادی 2 درصد، که کمترین بیننده را به خود اختصاص داده است. «همان، 2008: 139) این آمار هشدار برای زبان فصیح عربی به حساب می‌آید، چرا که فیلم و موسیقی با بیش‌ترین درصد مخاطب، اغلب به زبان غیرفصیح پخش می‌شود.

از آثار منفی رسانه‌ها، زیاده‌روی در فرنگی نمودن و وابستگی شدید به کالاهای صادراتی غرب می‌باشد. آنان نام برنامه‌ها را به انگلیسی انتخاب می‌نمایند ولی محتوای آن‌ها به زبان عربی پخش می‌شود مانند: «Mbc/art/Lbc/Orbit» آنان از این طریق در تلاشند تا واژه‌های انگلیسی را به طور فراگیر در نام‌گذاری شبکه‌های ماهواره‌ای رواج دهند تا زبان خود را در تمامی سرزمین‌های عربی جاودانه نمایند.

بدون شک موج جهانی‌شدن با به‌کارگیری ماهواره‌ها همه زبان‌های ملی را دستخوش تغییرات نموده است. تولید و پخش برنامه‌های رایگان از سوی کشورهای غربی برای ملل مختلف به خصوص ملت‌های عربی، ترویج کالاهای عربی به زبان انگلیسی، پخش فیلم‌های مستهجن و غیراخلاقی اروپایی و آمریکایی و موسیقی‌های تحریک‌کننده جنسی، نه تنها روح عربی و اسلامی را از جوانان و نوجوانان می‌زداید، بلکه آنان را نسبت به زبان و فرهنگ خود بیگانه می‌سازد. در پروتکل شماره 10 در خصوص جهانی کردن صهیونیسم اجتماعی و فرهنگی آمده است: «جهان را با زیرکی و خباثت خود به چنان درجه‌ای از فروپاشی، انحراف و انحطاط می‌رسانیم که به ما حق حاکمیت بر جهان را می‌دهند و این حاکمیت می‌تواند ما را متحد ساخته و تمامی مرزها، ملیت‌ها و ادیان را به نابودی بکشاند.» (یکن، 1387: 20) در واقع این یکی از اهداف خبیثانه صهیونیست‌هاست که خود را هم‌چون

گرگی با لباس میش، در ژرفای فناوری مدرن پنهان نموده تا فرهنگ همه ملت‌ها به‌ویژه امت اسلامی را متلاشی نماید.

بنابراین می‌توان گفت کمبود یا سودمند نبودن تولیدات داخلی کشورهای عربی و ناتوانی در به‌کارگیری مناسب و بهینه از فناوری نوین برای ساخت برنامه‌های متنوع جهت جلب رضایت مخاطبین خود و عدم احساس مسؤلیت اصحاب رسانه در حفظ و ترویج زبان ملی و دینی، سبب شده است تا ملت‌های عرب بدون توجه به فرهنگ و ارزش‌های خود از همه شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده نمایند.

۵. اینترنت

در فرایند جهانی‌شدن، اینترنت بهترین و آسان‌ترین فناوری بشر است که مرزها را درنوردیده و آثار منفی و مثبت خود را بدون توجه به فرهنگ‌ها و ارزش‌های متفاوت کشورها، برجای گذاشته است. متأسفانه درصد قابل توجهی از سایت‌ها، در اختیار آمریکا و صهیونیسم است و از این روست که آنان در تخریب شکل فرهنگ عربی و اسلامی‌شان از طریق اینترنت سماجت می‌ورزد. (علی، 2001: 36)

یکی از مهم‌ترین تهدیدات اینترنت برای زبان عربی، به‌کارگیری زبان چت در یاهو است که این زبان در عربی به «لغة الشات» معروف است. بسیاری از جوانان هنگام چت نمودن با دوستان خود، از حروف انگلیسی به جای حروف عربی استفاده می‌کنند. مانند: m=f و ف=f و اگر معادل حروف عربی در انگلیسی وجود نداشته باشد از اعداد، کمک می‌گیرند، به عنوان مثال معادل حرف «ث» در زبان انگلیسی وجود ندارد، به جای آن از عدد «4» استفاده می‌کنند، و کلمه «ثلاثة» را اینگونه می‌نویسند: «4ala4ah» (www.cyemen.com) در سایت دیگری نام این اسلوب را «العریبزی» معرفی کرده‌اند. (www.iraqsky.all-up.com) به‌طوری که در این سایت علاوه بر نگارش کلمات عربی با حروف و اعداد انگلیسی، روش نگارش جمله با این اسلوب ساختگی، آموزش داده می‌شود. به عنوان مثال جمله «مرحبا كيف الحال» را اینگونه می‌نویسند: «mar7bakefel7al??». در سایت دیگری کاربران این اصطلاح خود را «العربزیون» معرفی می‌کنند و ترکیبات زیر را ایجاد نموده‌اند:

Bye , مع السلامة،

-أشوفك في ال parking

- طمّنی آیف ال baby و أمه. «www. islamtoday. net»

و برخی دیگر در فضای مجازی چت هنگام گفت‌وگو، اصطلاحات انگلیسی را با کلمات عربی در می‌آمیزند مانند: «شیک علی الایمیل» که اصل آن Check mail است. «اعمل لی میسد کول» که در اصل Miscall است. «کانسل الموعد» که در اصل «Cancel» می‌باشد. (www. saaid. net)

با بررسی سایت‌های یادشده و دیگر سایت‌هایی که به آموزش و ترویج «عربی‌زی» مبادرت می‌ورزند، در می‌یابیم که راه‌اندازان این سایت‌ها علاوه بر زبان، به تخریب و تضعیف دین مبین اسلام می‌پردازند. آنان با اختصار نمودن تعبیرات شایع اسلامی که برگرفته از متن آیات قرآن و احادیث گهربار حضرت رسول اکرم (ص) است، خواسته یا ناخواسته، در جهت اهداف شوم استعمار و استکبار جهانی گام برداشته‌اند. اینک به چند نمونه از این تعبیرات توجه نمایید:

تعبیرات اسلامی	اختصار با اسلوب عربی‌زی
السلام علیکم	SA
إن شاءالله	ISA
ما شاءالله	MSA
جزاکم الله خیراً	JAK

اینگونه بازی نمودن با واژگان گر چه از جانب نوجوانان و جوانان، یک نوع سرگرمی به حساب می‌آید، اما بازیچه قراردادن کلمات و جملات فصیح عربی، در اینترنت که فرآیند همه کاربران این فناوری فراگیر است، تکلم و نگارش به زبان عربی را، تضعیف می‌نماید.

نتیجه

در پژوهش حاضر به نتایج ذیل دست می‌یابیم:

- جهانی شدن پدیده‌ای چالش‌گر است و محدود در یکی از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی نیست، بلکه این پدیده، فرایندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌های اجتماعی رسوخ نموده است. زبان نیز به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در بررسی اثرات فرهنگی جهانی شدن از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

- جهانی شدن در بخش گسترده‌ای، آمریکایی شدن جهان است. چون فرهنگ و زبان جهانی شدن آمریکایی می‌باشد. قدرت‌های استکباری در رأس آن‌ها آمریکا، با ترویج لهجه‌ها و گویش‌های عربی و دشوار نمایاندن یادگیری زبان فصیح عربی و نا کارآمد جلوه دادن آن در عرصه‌های بین‌الملل، محافل علمی، سیاسی و... در تلاشند تا زبان انگلیسی جایگزین آن کنند تا از این طریق هویت ملی آنان را متلاشی نمایند.

- زبان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت فرهنگی در فناوری‌های نوین نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. از آن‌جا که کشورهای عربی جزء کشورهای جهان سوم هستند که فاقد فناوری‌های نوین ارتباطی در سطح کشورهای پیشرفته می‌باشند، شعار جریان آزاد اطلاعات چیزی جز نابرابری اطلاعاتی و جریان یک طرفه اطلاعات نیست.

- دولت به عنوان یکی از کلیدی‌ترین موضوعات سیاست از تأثیرات جهانی شدن در امان نمانده است. در عصر جهانی شدن کنترل دولت‌ها تضعیف شده است و برخی کشورهای عربی با دوستی و همکاری با کشورهای غربی این امر را تشدید نموده‌اند، زیرا با واردات کالاها و ایجاد تجارتخانه‌ها و بانک‌های بیگانه و استخدام کارمندانی که به زبان انگلیسی مسلط باشند به تقویت زبان انگلیسی و تضعیف زبان عربی مبادرت ورزیده‌اند.

- اینترنت و ماهواره دو فناوری قابل دسترس، با اطلاعات بسیار زیاد هستند که تأثیر عجیبی در حذف زبان‌های ملی دارند، زیرا برنامه‌سازان و کارگردانان اصلی این دو فناوری، اسرائیل و آمریکا هستند که با ساخت برنامه‌های مستهجن به زبان انگلیسی و لهجه‌ها، قصد دارند تا زبان فصیح عربی را از اذهان جوانان عرب و امت بزرگ اسلامی بزدايند تا آنان را از فهم و درک کتاب آسمانی‌شان دورنگه دارند.

- رسانه‌های دیداری و شنیداری کشورهای عربی با به‌کارگیری واژگان بیگانه و عامیانه، زبان فصیح عربی را با چالش‌های زیادی مواجه نموده‌اند. در این میان کمبود برنامه‌های مخاطب‌پسند و میل به تماشای برنامه‌های غربی این معضلات را مضاعف نموده است. خانواده‌ها با آزاد گذاشتن فرزندان خود، در استفاده از فناوری‌های نوین جهانی و تماشای همه‌شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای، نقش قابل توجهی در تداخل زبانی کودکان خود با زبان‌های دیگر ایفا می‌نمایند.

فهرست منابع

- قرآن مجید
- الانصاری اریج بنت ابراهیم بن احمد الانصاری (1428). دور مؤسسات تربویة الاسلامیة فی مواجهة العولمة الغویة، *پایان نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه ام القری، مکه مکرمه.
- باقری، خسرو (1384). چالش‌های معرفت‌شناختی جهانی‌شدن برای تعلیم و تربیت، *همایش جهانی‌شدن و تعلیم و تربیت*، دانشگاه تهران.
- برتنز، یوهانس ویلیم (1382). *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: نشر آهنگ دیگر.
- برکات، هانی محمدیونس (2003). *الاستشراق والتربیة*، دارالفکر، عمان.
- بهاء‌الدین، حسین کامل (1384). *ملیت در جهان بی هویت*، مترجم حجت رسولی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ3، تهران.
- پین، مایکل (1382). *فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا بسامدرنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- الجابری، محمد عابد (1997). *قضا یا فی الفكر المعاصر: العولمة - صراع الحضارات العودة إلى الأخلاق - التسامح - الديمقراطية ونظام القيم - الفلسفة والمدینة*، مرکز دراسات الوحدة العربیة، بیروت.
- الجرف ریما سعد (2005). *قوة اللغة الانجليزية فی الماضي والحاضر والمستقبل*، ندوة اللغات فی عصر العولمة رؤیة مستقبلیة، 20-22 فبرایر، جامعة الملك خالد.
- الحسن، نذیم ریحی محمد (2008). *اتجاهات طلبه الجامعات الأردنیة الأردنیة نحو محطه القضاة العربیة*، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، جامعة الشرق الأوسط.
- حنفی حسن و صادق الجلال العظیم (2002). *ما العولمة*، دار الفکر، دمشق، بیروت.
- خاقانی محمد (1997). *لغة الإعلام فی الصحافة العربیة والفارسیة*، دارالروضة، ط1، لبنان.
- الخراشی سلیمان بن صالح (1419). *العولمة*، داربلنسیة، الرياض.
- الدجانی احمد صدقی (2000). *مجلة مجمع اللغة العربیة*، العدد التسعون. قاهرة.
- دحیات عید (2007). *اللغة العربیة و هویة الأمة فی مؤسسات التعلیم العالی فی الأردن*، الندوة الاولى 19 حزيران، اردن
- رحیمی، علی و شکاری، عباس (1386). *پیدا و پنهان جهانی‌شدن*، اندیشه نوین، تهران.
- السید محمود احمد (1997). *مجلة مجمع اللغة العربیة*، ج الحادی والثمانون، قاهره.
- ضیف شوقی (1997). *مجلة مجمع اللغة العربیة*، ج الحادی والثمانون، قاهره.
- ضیف شوقی (1994). *تحریفات العامیة للفصحی فی القواعد والبنایات و الحروف*، دارالمعارف، قاهره
- عبدالعزیز محمد حسن (1978). *لغة الصحافة المعاصرة*، دارالمعارف، قاهره.
- عبدالحمید سامح (1999). *کیف تكون فصیحاً*، دارالایمان، ط1، اسکندریة.

- عبدالحمید، محسن (1380). «جهانی‌شدن از منظر اسلامی» *هفته نامه نگاه حوزه*، ش 37، ششم بهمن.
- علوی حافیظ اسماعیلی (2007). *اللسان العربی و اشکالیة التلقی*، مرکز دراسات الوحدة العربیة، ط 1.
- علی نبیل (2001). *الثقافة العربیة و عصر المعلومات*، مجلس الوطنی للثقافة والفنون والادب، کویت.
- عمر احمد مختار (1993). *أخطاء اللغة العربیة المعاصرة عند الکتاب و الإذاعیین*، عالم الکتب، ط 2، قاهره.
- فاکسن، جرمی (1381). *نوام چامسکی و جهانی‌سازی*، ترجمه مزدک النوشه، سازمان چاپ و انتشارات اسلامی تهران.
- الفتلاوی سهیل حسین (2009). *العولمة و آثارها فی وطن العربی*، دارالثقافة، ط 1.
- الفلق سالم مبارک (2004). *اللغة العربیة والتحدیات والمواجهة*، حضرموت، یمن.
- فؤادوسام، یولیو (2005). *مجلة منار الإسلام*، العدد 366، امارات العربیة المتحدة.
- کاظمی، علی اصغر (1380). *جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست*، تهران: قومس.
- کنعان احمد علی (2007). *مجلة جامعة دمشق*، ج 23، العدد الاول، دمشق.
- المرسی کمال الدین عبدالغنی، (1999). *العلمانية والعولمة والأزهر*، دارالمعرفة الجامعیة، ط 1، اسکندریة.
- مجموعه من الکاتبین (1998). *المعجم الوسیط*، مجمع اللغة العربیة، الطبعة الثالثة، القاهرة.
- المنصور، عبدالعزیز (2009) *العولمة والخیارات العربیة المستقبلة*، *مجلة جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية والقانونیة*، المجلد 25، العدد الثانی.
- موسوی سیروس، بهار (1390). بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی، *فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر*، شماره شانزده، سال هشتم، تهران.
- المیدانی عبدالرحمن حسن حنیکه (2000). *أجنحة المکر الثلاثة و خوافیها*، دارالقلم، ج 8، دمشق.
- نحاس هشام (1997). *معجم فصاح العامیة*، مکتبة لبنان ناشرون، ج 1، لبنان.
- نصیری بهاره (1388). جهانی‌شدن رسانه ها و چالش سیاستگذاری‌های ملی، *دفترگسترش تولیدعلم*، ج 1، تهران.
- واترز، مالکوم (1379). *جهانی‌شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی، سازمان مدیریت و صنعتی، تهران.
- یکن فتحی (1387). *جهانی‌شدن و آینده اسلام*، مترجم مولود مصطفایی، نشر احسان، ج 1، تهران.

منابع اینترنتی:

www.elmaha.com.
www.3odz.justgoogle.com.
www.voiceofarabic.com.
www.cyemen.com.
www.iraqsky.all-up.com.
www.islamtoday.net.
www.saaid.net.

